

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

عباس منصوران  
۰۷ اکتوبر ۲۰۱۸

## پروژه امنیتی تشکلهای ضدکارگری حکومت اسلامی

این یک واقعیت طبقاتی آشکار است که بورژوازی در گستره جهانی و حکومت اسلامی سرمایه در ایران بیش از تمامی سازمانهای سیاسی در این ۴۰ ساله، با تمامی ابزارهای دولتی و رسانه‌ای و تشکیلاتی و برخوردار از همه ارگانه‌های سرمایه در سراسر جهان، از جمله سازمان جهانی کار (سرمایه) نیز دغدغه تشکلهای سازی و ارتباط و کنترل و مهار کارگری و دور نگه داشتن کارگران از سیاست (یعنی دخالتگری در تعیین سرنوشت خویش) داشته و متأسفانه موفق نیز بوده‌اند. تشکیل «شوراهای اسلامی کار»، «انجمن‌های اسلامی کار»، حزب اسلامی کار، «فراکسیون کارگری در مجلس» سرمایه، وزارت کار، «خانه کارگر»، «ایلنا»، «شورای عالی کار»، و... در سطح جهانی «سازمان جهانی کار» (ILO) تنها نمونه‌هایی از شبکه‌ها و زنجیره‌هایی هستند که برای اسارت کارگران به کار گرفته شده‌اند. این ابزار اسارت و بردگی، همانند نیروی سرکوب و زندان و اسارت، به تمامی ابزار حکمرانی حکومت طبقاتی بوده و هستند. تمامی این تشکلهای اسارتی، برای کنترل کارگران، جلوگیری از آگاهی بای طبقاتی و سازمانیابی انقلابی کارگران و جلوگیری از روی آوری کارگران به سیاست یعنی تعیین سیاست زیست و زندگی به دست خویش، به خدمت گرفته شده و می‌شوند.

تا آنجا که به ایران بازمی‌گردد، تمامی تشکلهای دهنندگان و پیش‌برندگان این شبکه‌های سرمایه‌داری، عناصر اطلاعاتی و کارگزاران مزدوری همانند علیرضا محبوب‌ها، سپیلا جلودارزاده‌ها، حسین کمالی‌ها، بازجو عبادها (علی ربیعی)، سردهسته چماقداران به سردهستگی محبوب و سید حسن صادقی‌ها و... بوده و هستند. این عناصر جنایتکار، از همان فردای ۲۲ بهمن [دلو] سال ۱۳۵۷ با به خون کشیدن شوراهای کارگران، مأمور کشتار کارگران، فعالان سیاسی کارگری-سوسیالیستی، بازجویی در شکنجه‌گاه‌ها، تشکلهای دهی‌های اجباری، ممنوعیت‌ها، حراست‌ها و بسیج «کارگری» در مراکز کار و تولید و... بوده‌اند. اینان همه و همه شبکه‌ها و ابزارهایی بوده و هستند برای آن که سود و استثمار سرمایه را تضمین کنند، انگل‌ها را از خون کارگران و کودکان کار، فربهی دهند، طبقه کارگر را خاموش و تن سپار سازند و حکومت برانند. این وظیفه نخست دولت و حکومت طبقاتی سرمایه‌داران است. همه عناصر و ابزار سرکوب در ردیف علی ربیعی‌ها و محبوب‌ها، همگی افسران کارگزار سرمایه در مناسباتی‌اند که نه تنها تشدید استثمار کارگران برای سود مافوق سرمایه را مزدوری می‌کنند، بلکه خاموش سازی کارگران را وظیفه دار بوده و هستند. اینک آشکار است که پروژه به قدرت رسانی اسلام سیاسی در ایران، جنگ ۸ ساله با عراق، کشتار افزون بر صدهزار

نفر در دهه ۱۳۶۰ و کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ و همه نیروهای ویژه و کربلا و عاشورا و قرآن و تعزیه و شلاق و قمه، همه و همه در خدمت بقای این حکومت طبقاتی و مناسبات سرمایه‌داری بوده، عمل کرده، به خدمت گرفته شده‌اند.

کوبش شلاق‌های خون و دارها و گلوله‌ها همراه با استثمار و فلاکت و ویرانی و مرگ، بیش و پیش از همه بر گرده کارگران و تهیدستان شهر و روستا و نیز چنگ دژخیمان حکومت اسلامی بر سینه و گلوی آنان و کودکان‌شان در راستای آن بوده تا کارگران، یعنی این نیروی انقلابی افزون بر ۴۰ میلیونی را همانند بردگان گوش به فرمان، و سرسپار، بنده سازند. تمامی دستگاه‌ها و ابزار تبلیغاتی و پروپاگاندا‌های حکومت سرمایه از دین و قرآن گرفته تا حسین و کربلا و عاشورا، تا جمکران و مهدی و چاه احمدی نژاد و دخمه خامنه‌ای و خمینی و اوباشان نوحه و تعزیه و بیت رهبری و اوباشان رهبر به تمامی برای آن بوده و هستند تا کارگران به‌سان طبقه‌ای درخود به طبقه‌ای برای خود بر نخیزند.

با این همه و در برابر این لشکریان جنایت و فریب و ریاء و دروغ، در میان میدان‌های مین، دار و درفش و داغ و شکنجه و قتل و کشتار و فلاکت و بیکاری، خیزش کارگران، آگاهمندی بخش پیشرو کارگری و سوسیالیستی، دیالکتیک مبارزه طبقاتی و آنتی تزی پوینده و جوشنده بوده است برآمده از سرشت انقلابی نیروی کار.

شوراهای کارگری در ماههای نخست انقلاب سیاسی بهمن ۵۷ پیش از به خون نشستن و نیز برآمدهای سازمانیابی کارگری (در برابر تشکل دهی) مستقل و پیشرو کارگران نمونه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران از سال ۱۳۸۳ بازگشائی سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه، بازگشائی سندیکای کارگران شرکت کشت و صنعت هفت تپه در سال ۱۳۸۷ و برگزاری‌های مجمع عمومی با اراده و با خواست کارگران مقاومت و سازمانیابی اعتصاب‌ها و اعتراض‌های کارگری در سراسر ایران که در دوساله گذشته شمارشان به بیش از ۶۰۰۰ می‌رسد، از اعتصاب‌های باشکوه شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، نیشکر هفته تپه، مجتمع فولاد اهواز، هپکو و آذرباب در اراک و شرکت سراسری مخابرات، آموزگاران، معادن در کرمان و آذربایجان کردستان و مازندران و گیلان و... آنتی تز و آن سوی واکنش طبقاتی کارگران بوده و می‌باشد که با گرایش شورائی می‌روند تا سراسری و انقلابی نبرد نهائی طبقاتی را در سراسر ایران اعلام کنند.

### سندیکا سازی قلابی، چرا در این شرایط؟

این هجوم، در تابستان ۹۷، نخست به سندیکای کارگران اتوبوسرانی تهران و حومه و سپس به سوی هفت تپه دستور داده شد. نمایندگان راستین کارگران در هفت تپه می‌گویند: «چرا نهادهای امنیتی و دولتی با کارفرمای شرکت نیشکر هفت تپه به یکباره بسیج شده‌اند تا انتخابات شورای اسلامی کار را در هفت تپه برگزار کنند؟

پس از بازگشائی مجدد سندیکا در سال ۱۳۸۷ توسط کارگران هفت تپه که با تشخیص و اراده خود کارگران بود که باید جامعه کارگری تشکل آزاد و مستقل داشته باشد، مجمع عمومی تشکیل و هیأت رئیسه سندیکا با رأی گیری انتخاب شد، حرکتی که منجر به احیای نیشکر هفت تپه در آن سال‌های ورشکستگی شرکت گردید، هرچند بلافاصله اعضای سربلند سندیکای هفت تپه با شدیدترین سرکوب‌ها مواجه شدند به زندان رفتند، اخراج شان کردند فقط و فقط به این دلیل که تشکل آزاد (سندیکا) نباشد اما مدال زرین تأسیس مجدد سندیکا برای همیشه تاریخ مبارزات کارگری گردن آویز سندیکالیستهای هفت تپه خواهند ماند.

علاوه بر سرکوب اعضای سندیکا، امروز نیز نهادهای امنیتی و دولتی با جبر فراوان انتخابات شوراهای اسلامی کار را برگزار کردند ولی هرگز جامعه کارگری هفت تپه اعضای آن را نمایندگان واقعی خود ندانستند چون هیچ دستاوردی جز تلاش برای شکستن اعتصاب و راضی کردن کارفرما در کارنامه شورای اسلامی کار در هفت تپه مشاهده نمی‌شود».

شوراهای اسلامی کار با وعده‌های فریبنده به کارگران هفت تپه، دامی بود تا زیر نام انتخابات جدید و مجمع عمومی و...، کارگران مسؤول و صادقی همانند اسماعیل بخشی را به برگزاری مجمع عمومی و نام «شورا» همراه سازند. این یک فریب و دام سرمایه داران بود. کارگزاران استثمار هرچند ناکام ماندند، اما چند روزی این توهم را برای دوستان عزیزی آفرید که گویا می‌توان از تریبون «شورای اسلامی» برای بیان خواست کارگران و نیز افشای کارفرما و کارگزاران سرمایه استفاده کرد. توجه داشته باشیم که این یک آزمون تازه نبود، بلکه در شرایطی به میان می‌آمد که ۴۰ سال حاکمیت مضاعف استثمار سرمایه‌داری و حکومت اسلامی‌اش با تمامی این جویهای خون و فلاکت تجربه شده بود. این یک توهم و توهم پراکنی است که گویا از درشوراهای اسلامی ورشکسته و ضدکارگری که از همان فردای اشغال خانه کارگردر سال ۱۳۵۸، به سان ارگان سیاسی و ایدئولوژیک سرمایه وظیفه یافته بود، می‌شود تنها به سان تریبونی برای افشای سیاست‌های کارفرما از آن استفاده کرد! زمانی این دام دوباره گسترده شده که در تابستان ۹۷ فضای جامعه فروپاشی و سرنگونی را در بر گرفته است.

اعتراضات کارگران و اعتصاب، حکومتیان را لرزانیده است. آشکار است که طبقه کارگر آلترناتیو خویش را باید سازمان دهد و در میان بگذارد. به بیان اسماعیل بخشی:

«از دل همین انتخابات آزاد و نمایندگان آزاد کارگری بود که در اعتصاب ۱۵ روزه مرداد ماه [اسد] بود که به شعار و مطالبه بزرگ «شوراهای مستقل کارگری و مردمی» رسیدیم مطالبه‌ای که تن خیلی‌ها را لرزاند و از پس آن بود که نهادهای امنیتی و دولتی به همراه کارفرما برای سرکوب و مقابله با چنین نمایندگانی دست در دست هم گذاشته تا با موازی کاری انتخابات شورای اسلامی کار (یادگار نحس دولت اصلاحات) را به جامعه کارگری تحمیل کنند»، اسماعیل بخشی به سان نماینده و فعال سندیکائی نیشکر هفت تپه روز ۶ مهر [میزان] ۹۷ با برخورداری از اعتماد و پشتیبانی کارگران و نیز شایستگی و جانفشانی خویش به این دریافت کارگری و آگاهانه رسیده است که در نوشتاری زیر نام هفت تپه و تحمیل انتخابات شورای اسلامی کار بگوید:

«شوراهای مستقل کارگری و مردمی» رسیدیم مطالبه‌ای که تن خیلی‌ها را لرزاند و از پس آن بود که نهادهای امنیتی و دولتی به همراه کارفرما برای سرکوب و مقابله با چنین نمایندگانی دست در دست هم گذاشته تا با موازی کاری انتخابات شورای اسلامی کار (یادگار نحس دولت اصلاحات) را به جامعه کارگری تحمیل کنند، این حرکت باعث شد تا پرسش‌های اساسی در ذهن من که البته هر روز از ذهن کل جامعه ایران می‌گذرد تداعی شود و مصرانه خواستار شنیدن پاسخ‌شان هستم:

۱- چگونه است که مدیران امنیتی و دولتی و کارفرما، که هیچ کدام کارگر نیستند برای جامعه کارگری هفت تپه تکلیف تعیین می‌کنند؟

[http://www.azadi-b.com/J/2018/09/post\\_557.html](http://www.azadi-b.com/J/2018/09/post_557.html)

اما طرح چنین پرسش‌هایی این چنین، ابهام‌آمیز است:

«مگر شعار اصلی این نظام استقلال و آزادی نیست؟ پس چرا ما نه استقلال داریم نه آزادی؟ چرا اینهمه از استقلال و آزادی مردم حراس دارید؟ ... اگر واقعاً شعار شما استقلال و آزادی ست پس باید در هر کوی و برزن، شهر و روستا

آزادانه « شوراهای مستقل کارگری و مردمی» تشکیل شود آیا دروغ بود شعارتان؟ چرا جامعه کارگری ایران نباید سهمی از قدرت داشته باشد؟- چرا از آگاه شدن مردم می ترسید؟»

([http://www.azadi-b.com/J/2018/09/post\\_557.html](http://www.azadi-b.com/J/2018/09/post_557.html))

طرح این پرسش ها برای آگاه سازی بخش زیرین کارگرانی شاید لازم دانسته شده که باید به این زبان ذهنیت آنان را به روشن بینی چرخش دهند! اما این پرسش ها، نه تنها توهم آمیز بلکه ذهنیت کارگرانی را که هنوز به طبقه ای برای خود نیندیشیده اند رویکرد دارد. این نگرش، یادآور همان درخواست هائی است که نمایندگانی از کارگران نفت، در سال ۵۸ از شورای انقلابی اسلامی درخواست حضور نماینده ای از خود می شوند تا در کنار بهشتی ها و مطهری ها و بنی صدرها بنشینند و کمی در «قدرت شریک شوند»!

در این شرایط و در گیر و دار این مبارزه طبقاتی، دستگاه های حکومتی-امنیتی، وزارت کار و مدیریت شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و نی شکر هفت تپه به ویژه در پی سفر و دستاوردهای پیروزمندانه نمایندگان جهانی کارگران رضا شهابی، داود رضوی و لقمان ویسی و حضور آنان به دعوت اتحادیه های کارگری اروپا، در تابستان گذشته، در هفته های اخیر با درماندگی تمام به دسیسه پرداختند. عناصر فریب و جنایت پیشه وزارت اطلاعات و کار و امنیت سپاه دست در دست هم، برای برپائی سندیکا و تشکل زرد و متعفن دولتی-تقلبی در برابر سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و نیز هفت تپه، با هدف پیشبرد سرکوب سازمانهای طبقاتی پیشرو و مستقل کارگری دستور گرفتند تا با دسیسه های نخ نما دست به کار شوند. حکومت پاسداران سرمایه، بیش از همیشه هراسیده و درمانده شده است.

سندیکای واحد و هفت تپه و کانون های آموزگاران به عنوان نهادهای مورد اعتماد و پیشرو کارگران می توانند با پتانسیل موجود در شرایط اعتلائی و انقلابی، از قوه به فعل در آمده و با دینامیسم طبقاتی خود، با پویندگی، رهبری جنبش سراسری طبقاتی را برای سرنگونی انقلابی حکومت و مناسبات فلاکت بار سرمایه، پیشتاز باشند.

بنا به بیانی سندیکای کارگران اتوبوسرانی تهران و حومه: «آنها در این پروژه سندیکا سازی دولتی، از همکاری دو نفر عامل دست نشانده خود به نام سعید ترابیان و حسن میرزائی استفاده می کنند؛ افرادی که سالهاست در سندیکای کارگران شرکت واحد هیچ همکاری و مسؤولیتی ندارند و به عکس در خدمت کارفرما، حراست شرکت واحد و شورای اسلامی ضدکارگران هستند و بر ضد سندیکا از هیچ گونه تخریبی فروگذار نکرده و به علاوه با کمک به دستگاه های امنیتی موجب پرونده سازی از سوی نهاد های امنیتی علیه فعالان سندیکائی شده اند.

در این پروژه دولتی و امنیتی، وزارت کار، نهادهای امنیتی و مدیریت شرکت واحد با تطمیع و حمایت کامل پولیسی-قضائی-امنیتی برای دو تن از اعضای سابق سندیکا، توسط این دو فرد دست نشانده خود اعلام کرده اند که در حال تدارک برای برگزاری مجمع عمومی با نام سندیکای کارگران شرکت واحد هستند. این افراد همچنین اقدام به سوء استفاده و جعل آرم و نام سندیکا و ایجاد یک کانال تلگرامی کرده اند (لینک تصویر کانال جعلی [me/vahedsyndica/2277](https://t.me/vahedsyndica/2277)) این افراد قصد دارند تا با طراحی، فرماندهی و حمایت نهادهای دولتی-امنیتی در این مجمع عمومی کذائی افرادی دست نشانده را به عنوان هیأت مدیره در سندیکائی قلبی معرفی کنند تا سندیکای مستقل کارگران شرکت واحد تحت الشعاع قرار گرفته و به جنبش مستقل کارگری در ایران ضربه وارد کنند و سپس رسماً و این بار با نام "سندیکا" وارد همکاری، ائتلاف و ادغام عملی و ماهوی با شوراهای اسلامی گردند. بدین ترتیب و با فرض موفقیت این عوامل دست نشانده در ایجاد یک سندیکای دولتی و زرد، افرادی دست نشانده، زیر عنوان و با نام سندیکا اقدام به حمایت از کارفرما و دولت خواهند کرد و دولت ایران نیز به هدف خود که همزمان سرکوب

مطالبات گسترده کارگران و سرکوب تشکل یابی مستقل کارگری است و نیز تزئین دکوراسیون "آزادی فعالیت سندیکائی" خود در میان مجامع جهانی است، می رسد...

<http://vahedsyndica.com/archive/3327>

مدیران سرمایه با یونیفورم و بدون یونیفورم و نشان، این جانان امنیتی و دولتی و کارفرمایان، در شرایطی وظیفه تشکل سازی یافته‌اند که کل مناسبات و حکومت بر لبه فروپاشی قرار گرفته و برخی از سران و گردانندگان حکومتی درمانده و روحیه باخته در حال گریز و پناهگاه هستند. در شوش و هفت تپه، فرماندهان امنیتی و دولتی با کارفرمای شرکت نیشکر هفت تپه به ناگهان بسیج شده‌اند تا برای برکناری «قانونی» سندیکای واقعی و مستقل کارگران، با فریب «انتخاباتی قانونی» به نام «انتخابات شورای اسلامی کار» از راه مجمع عمومی و غیره برگزار کنند. در برابر این تاکتیک سرمایه‌داری، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در تاریخ ۲۸ مرداد ماه [اسد] ۱۳۹۷ اعلام کرده: «ما از کارگران و کلیه تشکلات و نهادهای مستقل کارگری می‌خواهیم که همچون گذشته، ضمن این که با همان شادابی و قدرت، حامی تشکلات خود هستند، با هوشیاری همیشگی، توطئه دولت، نیروهای امنیتی و مدیریت شرکت واحد علیه سندیکای مبارز کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران را قویاً محکوم کنند. از کارگران شرکت واحد می‌خواهیم ضمن افشای کانال یا مطالبی که این عوامل وابسته به دولت منتشر می‌کنند کماکان اخبار یا مطالب را از طریق تنها کانال رسمی سندیکای کارگران واحد و وبسایت آن (آدرس‌های درج شده در ذیل این اطلاعیه) دنبال کنند. بدیهی است که سندیکای کارگران شرکت واحد با قدرت و بیداری همیشگی، همزمان با این که دست اندرکار برگزاری مجمع عمومی خود است، همچنین از این اقدامات ضد کارگری عبور خواهد کرد و با توان بیشتر در راه کسب مطالبات کارگران شرکت واحد و جنبش مستقل کارگری ایران کوشا خواهد بود.»

سندیکای کارگران شرکت واحد، عناصر نفوذی و اسناد جعلی این توطئه را افشاء کرده است. عناصر مزدور نیز در کمپ سرمایه به دروغ پراکنی دست زده و به دروغ از «دیدار رضا شهابی» با وزارت کار را شایعه ساختند. در حالی که وزیر کار شکنجه‌گر، افتخار چنین دیدارهایی را همراه با حکومت خویش به گور خواهند برد.

عباس منصوران

نیمه نخست مهرماه [میزان] ۹۷

جهان امروز (شماره ۳۹۷)، ارگان خبری سیاسی حزب کمونیست ایران

سندیکای راستین کارگران شرکت واحد، آدرس‌های مستقل خود را برای تماس کارگران و پشتیبانان جنبش کارگری اینگونه اعلام کرده است:

آدرس تلگرام مورد تأیید سندیکای کارگران شرکت واحد: [telgram.me/vahedsndica](https://t.me/vahedsndica)

آدرس سایت سندیکای کارگران شرکت واحد: [www.vahedsyndica.com](http://www.vahedsyndica.com)

ارتباط با جی میل سندیکا: [vsyndica@gmail.com](mailto:vsyndica@gmail.com) و آدرس ارتباط و تماس با ادمین و کانال تلگرام سندیکا:

[pvsyndica@](mailto:pvsyndica@)